

مقدمه

آرمان‌های جهانی نظیر حقوق بشر، آزادی بیان، کاهش فقر و جامعه اطلاعاتی و تلاش برای دستیابی به آنها تنها مختص دولت‌های ملی نیست؛ شهرها و مقامات محلی هم در این خصوص مشارکت و کوششی گسترده دارند. نگاهی به تلاش‌های صورت گرفته از سوی حکومت‌های محلی مؤید این مدعاست. از برجسته‌ترین این تلاش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«بیانیه هلسینکی برای گفت‌وگوی شهرهای جهانی درباره جامعه اطلاعاتی»، بیانیه نهایی دومین مجمع جهانی شهرها و مقامات محلی در ریو در ماه مه ۲۰۰۱، «منشور حقوق شهروندان در جامعه اطلاعاتی»، «بیانیه اجلاس جهانی شهرها و مقامات محلی در مورد جامعه اطلاعاتی» و بالاخره تلاش برای ایجاد سازمان جهانی شهرها و حکومت‌های محلی متحد که در ماه مه ۲۰۰۴ در پاریس انجام خواهد شد [۱].

این اتفاقات خبر از تغییرات نقش شهرها در جهان امروز و اهمیت یافتن آنها می‌دهد. اگر شهرها در گذشته تابع سیاست‌های دولت مرکزی بودند و نقش چندانی در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری نداشتند، امروزه به آنها به عنوان همکاران و شرکای توانمند دولت‌های ملی نگاه می‌شود. آنها بازیگرانی تلقی می‌شوند که در عرصه جهانی نیز می‌توانند برای تحقق آرمان‌های پیش‌گفته مؤثر واقع شوند. از منظری کلان، مفهوم اخیر جهان‌شهر [۲]، نشانگر پیدایش واقعیت جدیدی در عرصه شهری است که حاصل فرایند جهانی شدن است.

جهان‌شهرها "شهرهای فرمانده جهان، یا به عبارتی کلی‌تر، مراکز فرماندهی اداره جهانی سرمایه، تجارت، حمل و نقل و ارتباطات، همچنین سیاست و فرهنگ - بین‌المللی - و به طور خلاصه مراکز تصمیم‌گیری و نقاط کنترل اقتصاد دگرگون‌شده جهان، از جمله ارتباطات و جز آن هستند". (برونگر [۳]، ۱۳۸، ۱۵۸). البته این موقعیت برتر تنها اختصاص به ۱۸ جهان‌شهر دارد که همگی در مراکز اقتصاد جهانی - یعنی امریکای شمالی، اروپا و آسیای جنوب شرقی - قرار دارند.

جهان‌شتابان به سوی شهری شدن گام برمی‌دارد. آمارهای منتشر شده بانک جهانی در خصوص رشد جمعیت شهری حاکی است نسبت جمعیت شهرنشین جهان که در سال ۲۰۰۰ حدود ۴۷ درصد بود، در سال ۲۰۳۰ به بیش از ۶۰ درصد خواهد رسید. در آن سال بیش از دو میلیارد نفر از جمعیت جهان در مراکز شهری زندگی خواهند کرد و ۵۰۰ شهر با جمعیت بیش از یک میلیون نفر وجود خواهد داشت. شهری شدن در کشورهای در حال توسعه ابعاد وسیع‌تری دارد. در این کشورها در سال ۲۰۲۰ بیش از نیمی از جمعیت، در شهرها زندگی خواهند کرد (WORLD BANK, 2004). آنها با شتاب بیشتری با شهرنشینی مواجه می‌شوند.

"در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۹۳، جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه در هر سال ۳/۸ درصد رشد کرده است؛ یعنی در هر سی سال - یا یک نسل - سه برابر شده است (Gugler, 1997, 43) - اما جریان شهرنشینی در جوامع در حال توسعه به جای تحقق آرمان‌های نوگرایانه‌ای چون دارایی و رفاه، گسترش فقر را به همراه داشته است. این پدیده که در گذشته بیشتر ماهیتی روستایی داشت، بدل به مسئله‌ای شهری شده است.

در چالش با این مشکلات، دولت‌های ملی و محلی جنوب مشروعیت و کارآمدی چندانی ندارند. سرمایه انسانی و اقتصادی خردمایه در کنار ساختارهای اداره امور مطلقه و مشارکت‌گریز به افزایش دامنه مسائل شهری انجامیده است. در جست‌وجوی راه برای خروج از دور باطل توسعه نیافتگی، چشم‌اندازی به نام حکمروایی [۴] شهری خوب [۵] وجود دارد. یکی از ابزارهای تحقق این الگوی جدید، مدیریت شهری اطلاعات محور است. تأمین و تدارک مطلوب داده‌های اطلاعاتی نیز هنگامی میسر است که تحقیقات و پژوهش شهری به درستی صورت گیرد. این امری است که مستلزم برنامه‌ریزی پژوهش شهری است.

حکمروایی شهری

همگان بر این واقعیت اذعان دارند که مدیریت خوب یکی از شروط لازم و کافی برای پیشبرد برنامه‌های توسعه شهری است. الگوی نظری «حکمروایی شهری» در تلاش برای صورت‌بندی بهترین شیوه‌های مدیریت شهری است. توضیح تفاوت میان مدیریت شهری و حکمروایی شهری ضروری است. "مدیریت شهری فرایندی مدیریتی است که به ایجاد و حفظ زیربناها و خدمات شهر می‌پردازد، اما حکمروایی (حاکمیت) شهری فرایندی کاملاً سیاسی است. این فرایند را مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد به عنوان پاسخی کارآمد و مؤثر به مشکلات شهری تعریف می‌کند. این قابلیت را آن دسته از حکومت‌های محلی که خصوصیات پاسخگویی را دارند و وظایف خود را با همیاری جامعه مدنی به انجام می‌رسانند، می‌توانند ارائه دهند" (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰، ۴۹). در تعریفی ساده حکمروایی در سطح شهر،

حکمروایی شهری خوب
هنگامی میسر است که دولت
محلی شهری توانایی همکاری و
شراکت با بخش خصوصی و
سازمان‌های جامعه مدنی را
برای اداره امور محلی داشته
باشد

به مجموع شیوه‌هایی اطلاق می‌شود که از طریق آنها افراد و نهادها (عمومی و خصوصی) امور مشترک‌شان را برنامهریزی و مدیریت می‌کنند. نتیجه نهایی این جریان مداوم می‌تواند به تضاد یا همکاری‌های سودمند برای طرفین منجر شود.

حکمروایی شهری تنها به نهادهای رسمی مدیریت شهری خلاصه نمی‌شود. تمامی بازیگران عرصه امور عمومی شهر، یعنی سازمان‌های رسمی، گروه‌های غیررسمی، نهادهای بخش خصوصی و البته سرمایه اجتماعی شهروندان در محدوده آن فرار می‌گیرند.

این الگو اگرچه آرمانی می‌نماید اما موفقیت آن دسته از حکومت‌های محلی که برخی از ویژگی‌های آن را داشته‌اند، بیانگر ضرورت عملیاتی ساختن آن در نظام‌های مدیریت شهری برای دستیابی به اهداف توسعه شهری نظیر کاهش فقر، تأمین و تدارک تأسیسات و تجهیزات بهداشتی و ارائه خدمات شهری است (An Urbanizing World, 1996). اصول حاکمیت شهری خوب از دید مرکز اسکان شهر سازمان ملل متحد (هابیتات ۶) به شرح زیر است:

- پایداری

- کفایت تصمیم‌گیری محلی [۷]

- کارآمدی

- انصاف [۸]

- شفافیت

- پاسخگویی (پاک‌حسابی) [۹]

- تعهد مدنی [۱۰]

- شهروندی

- امنیت [۱۱]

وجود روابط نوع افقی و
چارت سازمانی تخت از
ویژگی‌های سازمان‌های
پژوهشی موفق محسوب
می‌شود

تحقق حکمروایی شهری مردم سالار در قالب اصلاح حکومت و تقویت اقدامات محلی، جریانی ساده و آسان‌یاب نیست. مهم‌ترین امور و اولویت‌ها در این زمینه عبارتند از:

الف) تعریف دوباره نقش‌های حکومت؛

ب) ترویج استراتژی‌های توسعه شهری؛

پ) تنظیم انتقالات مالی منصفانه میان تمامی سطوح حکومت؛

ت) تشویق جریان‌های آزاد اطلاعات به عنوان کلید حاکمیت شفاف، مشارکت مؤثر و تعهد مدنی؛ ث) تأکید بر نقش مهم رهبری؛ و

ج) ترویج کردار اخلاقی در حاکمیت شهرها.

حکمروایی شهری خوب هنگامی میسر است که دولت محلی شهری - یا همان شهرداری - توانایی همکاری و شراکت با بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی را برای اداره امور محلی داشته باشد. پدیده جهانی شدن و گسترش شیوه مردم سالاری تضعیف ساختارهای متمرکز و تک‌ساختی را در پی داشته و مدیریت در شرایط متغیر و پیچیده را جز در قالب الگوهای مشارکت جو در سطوح ملی و محلی ناممکن ساخته است. البته در این میان، آنچه پذیرفته شده نقش دولت محلی در سیاست‌گذاری و رهبری جریان توسعه شهری است.

چهار دیدگاه کلاسیک درباره نقش دولت محلی وجود دارد:

- دولت محلی به منزله تأمین‌کننده رفاه؛

- دولت محلی به منزله برنامهریز و تنظیم‌کننده اقتصاد محلی؛

- دولت محلی به منزله واسطه در شکل‌گیری اقتصاد محلی؛

- دولت محلی به منزله عامل اعمال زور برای نظم و مقررات اجتماعی (ساوج و وارد، ۱۳۸۰، ۲۰۶).

این دیدگاه‌ها به رابطه یکطرفه میان دولت محلی و شهروندان توجه دارند و عمده تأکید آنها بر خصوصیات دولت محلی است؛ در حالی که دیدگاه جدید حکمروایی شهری به کنش متقابل میان سه بازیگر اصلی عرصه شهر یعنی دولت محلی، بخش خصوصی و جامعه مدنی توجه دارد. تصمیمات مدیریت شهری بر زندگی شهروندان تأثیرگذار است. کنش‌های شهروندان نیز متقابلاً بر ابعاد مختلف مدیریت شهری مانند انتخابات، رقابت‌ها، خطمشی‌ها و توزیع منابع و خدمات تأثیر دارد. از این رو هرچه جریان حکمروایی شهری بر پایه دولت محلی توانمند و تعامل‌پذیر اتفاق افتد، اثر مثبت آن بر توسعه محلی بیشتر خواهد بود. دولت محلی نقطه کانونی پیشبرد برنامه‌های توسعه شهری پایدار است.

نهادهای علمی - پژوهشی به مثابه نهادهای ثالث

تحقق دولت محلی توانمند بستگی به تأمین سرمایه‌ها و منابع مورد نیاز دارد؛ سرمایه‌هایی که می‌توان به اختصار از آنها با عناوین زیر یاد کرد:

۱- سرمایه سیاسی به معنای داشتن جایگاه مناسب و بهره‌مند از اختیارات در ساختار تصمیم‌گیری و اداره امور کشور، قوانین و مقررات شفاف.

۲- سرمایه اقتصادی به معنای دارا بودن بودجه کافی و پایدار و توانمندی مالی برای تأمین هزینه‌ها.

۳- سرمایه اجتماعی به معنای داشتن مشروعیت در میان شهروندان، اعتماد جامعه به حاکمیت و مشارکت عمومی در برنامه‌های محلی.

۴- سرمایه انسانی به معنای در اختیار داشتن کارکنانی با دانش، اطلاعات و مهارت‌های تخصصی برای انجام وظایف‌شان (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۲، ۱۴).

۵- سرمایه اطلاعاتی به معنای داشتن دانش، بانک‌های اطلاعاتی چندگانه و تخصصی و قابلیت انجام پژوهش‌های کاربردی.

۶- سرمایه کالبدی به معنای در اختیار داشتن زیرساخت‌ها و ساختمان‌های عمومی ضروری.

تأمین هر یک از این سرمایه‌ها به سازوکارهای خاص خود نیاز دارد. البته تأمین سرمایه اطلاعاتی در گرو وجود نهادهای علمی - پژوهشی است. آنها متفاوت از نهادهای اولیه (مانند خانواده) و ثانویه (مانند حکومت) هستند.

ژرار دگره [۱۲] این گونه نهادها را ثالث می‌نامد. نهادهای ثالث به نظر او "تعریف کننده آن دسته از کوشش‌های انسانی است که به وسیله علائم، عبارات و سایر فعالیت‌های ذهنی و خلاق می‌تواند فهم، درک و کنترل بیشتری بر جهان طبیعی، اجتماعی و خصوصی خودش داشته باشد" (توکل، ۱۳۷۰، ۹۶). علوم جدید به عنوان نوعی پدیده اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی است که آنها را از سایر معرفت‌های بشری مانند مذهب و هنر متمایز می‌کند. این ارزش‌ها عبارتند از: عقل‌گرایی، تجربه‌گرایی، روش منطقی - آزمون‌ی، عقیده به حکومت قانون، پراگماتیسم یا اصالت عمل، ریاضت‌دنیایی، شک‌گرایی و فردگرایی (همان، ۱۱۴). از این رو نهادهای علمی در جوامعی می‌توانند رشد و بالندگی داشته باشند که در آنها حمایت از علم امری پذیرفته شده باشد و سازمان‌ها و افراد در جریان تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات‌شان اولویت را به واقعیات علمی دهند.

حکمرانی شهری خوب آن‌گاه رنگ واقعیت به خود خواهد دید که دولت شهری یا شهرداری به عنوان یکی از شرکای مهم و تأثیرگذار این جریان متکی بر نهادهای علمی - پژوهشی باشد. انجام پژوهش برای تأمین اطلاعات می‌تواند از طریق مراکز تحقیقاتی مستقل مانند دانشگاه‌ها، یا در قالب سازمان تحقیقاتی وابسته صورت گیرد. در عین حال پژوهش به عنوان فعالیتی متعلق به دنیای مدرن به شرایطی مانند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی پژوهشی بستگی دارد و هر

هر سازمان علاقه‌مند و نیازمند به پژوهش باید سیاست پژوهشی خاص خود را تنظیم کند. این سیاست بیانگر فرایندی است که به اهداف و تصمیمات می‌پردازد

سازمانی که خواهان پژوهش است الزاماً باید آنها را تأمین کند.

پیش از هر پژوهشی پرسش‌هایی وجود دارند که باید به آنها پاسخ گفت.

پرسش‌های فراروی پژوهش

شناخت واقعیت نیازمند پژوهش علمی است. پژوهش برای آنکه به خوبی پیش رود باید بر برنامه‌ای سنجیده استوار باشد. از این رو برنامه‌ریزی پژوهشی کوششی منظم و هوشمندانه برای گزینش بهترین گزینه‌ها برای رسیدن به شناخت می‌شود. در این حوزه‌ها باید به پرسش‌هایی چندگانه پاسخ گفت. این پرسش‌ها عبارتند از:

"چه کسی تحقیق می‌کند- پژوهنده کیست؛ توانایی و آمادگی او در چه پایه‌اند...؟ چرا تحقیق می‌کند- هدف پژوهنده کدام است؟"

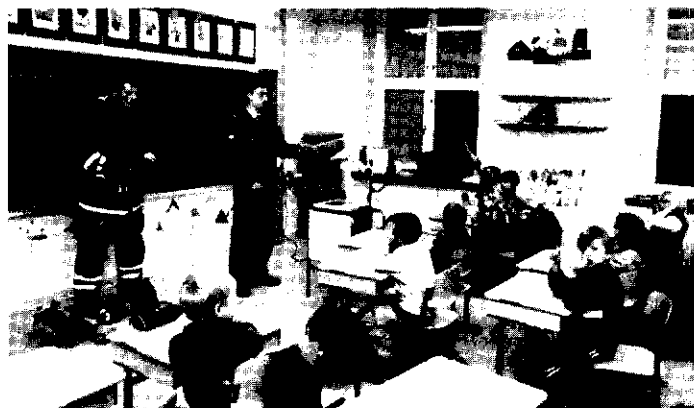
دوباره چه تحقیق می‌کند - مسئله چیست؛ مسئله در چه موضوعی است. مرزهای آن کدام‌اند...؟ چگونه تحقیق می‌کند - چه شیوه یا شیوه‌هایی برای پژوهش او شایسته‌اند؛ کتاب‌ورزی، مشاهده‌ورزی، آزمایش‌ورزی...؟ کجا تحقیق می‌کند - چه میانجی‌هایی برای پژوهش او بایسته‌اند؛ دستیار، پژوهش‌افزار...؟ در چه زمانی تحقیق می‌کند - چه مدت برای پژوهش او لازم است؛ چند ماه، چند سال، بی‌وقفه، باوقفه...؟ (آریان‌پور، ۱۳۶۳، ۱۵).

این پرسش‌ها نخست به ویژگی‌های پژوهشگر باز می‌گردند. آیا هر فردی کفایت و قابلیت پژوهشگری را دارد؟ بی‌گمان پاسخ این پرسش مثبت نیست. صرف‌نظر از توانایی هر فرد معمولی برای کسب دانش، فعالیت‌های علمی - پژوهشی ویژگی‌هایی دارند که آنها را از دیگر انواع اندیشه‌ورزی متمایز می‌کنند. دگره‌سه نوع فعالیت علمی و در نتیجه سه نوع دانشمند را تشخیص می‌دهد:

یک - دانشمند به عنوان کشف‌کننده... (که بنا به آن دانشمند جنبه‌های مجهول جهان خارجی را کشف می‌کند یا از آن پرده بر می‌دارد).

دو - دانشمند به عنوان نظریه پرداز... (که طبق آن دانشمند مسئول کنار هم چیدن داده‌های معرفتی است در ساخت یا شبکه‌ای به هم پیوسته و منطقی، و پرداختن نظریه‌ها).

سه - دانشمند به عنوان تکنولوژیست (که بنا بر آن دانشمند نظریات به دست آمده از کشفیات تجربی را در مسیر حل مسائل مشخص انسانی به کار می‌اندازد)



(توکل، ۱۳۶۱).

ایفای نقش دانشمندی و پژوهشگری نیازمند کسب دانش و مهارت‌های لازم است که از خلال سال‌های دراز تحصیل و کسب تجربه در نهادهای تخصصی یعنی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به دست می‌آید.

پرسش‌های بعدی به موضوع پژوهش اشاره دارند: آیا می‌توان برای پژوهش به سراغ هر موضوعی رفت؟ آیا موضوعات فلسفی، هنری و عرفانی برای پژوهش علمی مناسب‌اند؟ و نظایر اینها. پژوهش علمی گزینشی است و تنها می‌تواند به سراغ موضوعاتی برود که به تجربه و مشاهده روش‌های علمی درآیند. از این روست که امکان‌پذیری پژوهش برای موضوعات، قاعده‌ای روش شناختی برای انجام پژوهش است. "برای کاوش علمی باید مسئله‌ای گزیده داشت. کسانی که تاریخ را می‌خوانند تا ببینند در دنیا چه خبر بوده است، کاری عبث و غیر علمی می‌کنند. این را نمی‌توان کاوش علمی نام نهاد" (سروش، ۱۳۶۱، ۲۱).

صفات پرسش پژوهشی خوب، به نظر کیوی و کامپنهود، عبارتند از: روشنی، عملی بودن و مناسب یا بجا بودن. اولین صفت این است که پرسش دقیق، کوتاه و بدون ابهام باشد؛ دومی یعنی اینکه پرسش واقع‌بینانه باشد؛ و سومی یعنی پرسش حقیقی باشد، آنچه وجود دارد موضوع مطالعه باشد و قصد پژوهشگر به جای داوری اخلاقی یا فلسفی باید تفهیم یا تبیین پدیده‌ها باشد (همان، ۲۸). علت پژوهش به انگیزه‌های پژوهشگر باز می‌گردد. این انگیزه‌ها می‌تواند کاملاً شخصی یا صرفاً مسائل سازمانی و اداری باشند. در هر حال از آنجا که انجام پژوهش کاری است که نیازمند هزینه‌های بسیار است، انطباق انگیزه‌های شخصی پژوهشگر مانند علاقه به موضوع یا نیازهای سازمانی که پژوهش را سفارش داده است نقش مهمی در افزایش کیفیت کار دارد. چگونگی انجام پژوهش به نوع پژوهش مربوط است. پژوهش‌های شهری را به دو دسته تقسیم کرده‌اند:

"- پژوهش‌های شهری بنیانی که مبتنی بر نظریه‌پردازی است و جهت‌گیری علمی محض دارد.

- پژوهش‌های شهری راهبردی که مبتنی بر خط مشی هاست و به منظور گره‌گشایی از مشکل‌های شهری صورت می‌پذیرد" (آندرانویچ و ریوسا، ۱۳۸۰، ۲۵).

دولت‌های محلی سازمان‌هایی خط‌مشی‌گذار در شهرها هستند. از این رو پژوهش‌های شهری مورد علاقه آنها با نوع راهبردی تناسب بیشتری دارد. پژوهش‌های شهری بنیانی می‌تواند در نهادهای علمی - پژوهشی تخصصی، یعنی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقات صورت پذیرد.

سازمان پژوهشی

امروزه پژوهش علمی در قالب سازمان‌های تخصصی صورت می‌پذیرد. کنجکاوی ذهنی شخص پژوهشگر اگر چه مهم است اما تلاش می‌شود تا به آن جهت داده شود تا در مسیر حل مسائل و مشکلات جامعه قرار گیرد. واقعیت این است که همواره میان این دو ممکن است شکاف‌هایی وجود داشته باشد. عموم سازمان‌هایی که هزینه‌های پژوهش را می‌پردازند خواهان حل مسائل فوری و روزمره‌اند. در مقابل پژوهشگران ممکن است به موضوعاتی مانند مسائل نظری توجه داشته باشند، که مدیران اجرایی علاقه‌ای به آنها نداشته باشند. در هر حال، حل این مسئله بستگی به پایگاه اجتماعی پژوهش و امکانات مالی و تجهیزات در اختیار پژوهشگران دارد.

پژوهش‌های سازمانی تحت عنوان "تحقیق و توسعه" [۱۳] انجام می‌پذیرند. "محتوای تحقیق و توسعه مجموعه‌ای از فعالیت‌های سازمان یافته را شامل می‌شود که هدف آن فراهم آوردن تولیدات، ابزارها، روش‌ها، سازمان‌ها، و به طور

کلی مجموعه دستاوردهایی است که در جهت رفاه و ارتقای سطح زندگی بشر کاربرد دارد" (محسنی، ۱۳۷۲، ۱۹۹). در قالب تحقیق و توسعه، فعالیت پژوهشی را می‌توان مرکب از سه عنصر مرتبط به هم دانست: سخت‌افزار پژوهشی، شامل امکانات و تجهیزات مورد نیاز پژوهش؛ نرم‌افزار پژوهش، شامل نیروی انسانی ماهر و دانش آموخته؛ و بالاخره سازمان‌افزار | پژوهش که در سطح کاربردی "راه‌حل‌های ساختنی-سازمانی، فرایندهای مدیریتی، آموزش نیروی انسانی، خدمات نگهداری، و روش‌های ویژه برقراری روابط متقابل با سایر سیستم‌ها را شامل می‌شود" (همان، ۱۹۳). تشکیل سازمان‌های تحقیقاتی در سطوح ملی و محلی، ایجاد مشاغل تخصصی جدید مانند مدیریت پژوهشی و پژوهشگری، نشریات علمی، محافل علمی و بودجه‌های پژوهشی حاصل این فعالیت در جامعه است.

سازمان یافتگی جریبان پژوهش نشان می‌دهد که این حوزه از فعالیت بشری از محدوده تلاش‌های فردی خارج شده و گام در وادی فعالیت‌های اجتماعی سازمان یافته گذاشته است. از این رو سازمان‌های مختلف از جمله شهرداری‌ها که خواهان انجام پژوهش از سوی خود یا واگذاری آن به جایی دیگر هستند، باید به الزامات سازمان یافتگی پژوهش چون ارزش‌های علمی، بودجه، نیروی انسانی متخصص و مکان مناسب توجه داشته باشند. در پژوهشی که در سال ۱۳۷۲ در گروه مطالعات و برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور در مورد مراکز تحقیقاتی شهرداری‌ها و استانداری‌ها صورت گرفت، مشخص شد که آنها با مشکلات زیر مواجه‌اند:

* یک - فقدان فرهنگ تحقیقاتی و بی‌علاقگی مدیران به کارهای تحقیقاتی.

دو - مشخص نبودن جایگاه و وظایف واحد (پژوهشی) در چارت اداری.

سه - فقدان بانک اطلاعات و آمار مورد نیاز، به ویژه در مورد شهرداری‌ها.

چهار - فقدان اعتبارات برای انجام تحقیق.

پنج - فقدان مکان مناسب برای تحقیق و تسهیلات رفاهی برای محققان مراکز تحقیقاتی.

شش - کمبود نیرو و عدم امکان جذب نیروی مناسب به جهت مشکلات مالی-اداری.

هفت - فقدان ارتباط منظم و مستمر با سایر مراکز مشابه برای تبادل اطلاعات و گزارش‌های منتشر شده (ایمانی جاجرمی، ۱۳۷۲، ۶۹).

تحقق بهینه الگوی حکمروایی شهری مستلزم مدیریت شهری اطلاعات محور است . زیر بنای این پدیده را پژوهش تشکیل می‌دهد

از آنجا که این تحقیق در سال‌های پسین تکرار نشد، اکنون تصویر روشنی از وضعیت این مراکز در دست نیست. اما به نظر می‌رسد با توجه به انتشار نشریات تخصصی شهری در سال‌های اخیر و استقبال از آنها توجه به پژوهش به عنوان نوعی هنجار در مدیریت شهری کشور پذیرفته شده است. بازتاب این امر را می‌توان در بخشنامه جدید بودجه سالیانه شهرداری‌ها مشاهده کرد که طبق آن اعتباری برای انجام پژوهش در شهرداری‌های کشور به آنها اختصاص می‌یابد. در هر حال انجام پژوهش نیازمند گام‌هایی است که اگر به درستی پیموده نشوند، اثربخشی مورد انتظار از آن تحقق پیدا نخواهد کرد. چنین پویایی برنامه‌ریزی پژوهشی نام دارد.

برنامه‌ریزی پژوهشی

گردش امور در سازمان پژوهش به نقش‌هایی به نام مدیر پژوهش و پژوهشگران نیازمند است. نوع تعامل آنان با یکدیگر نیز در کارایی گروه مؤثر است. مطالعات شپرد | ۱۵ | و همکارانش نشان داده است که "اگر به جای رها کردن محققان در تنهایی، آنها را به برقراری روابط با یکدیگر تشویق کنیم، کارایی به مراتب بیشتر خواهد بود" (همان، ۱۹۶). وجود روابط نوع افقی و چارت سازمانی تخت‌از ویژگی‌های سازمان‌های پژوهشی موفق محسوب می‌شود. از دیگر مسائل مهم و مؤثر در افزایش کارایی گروه‌های پژوهشی، داشتن توافق در خصوص دو موضوع با مدیران ارشد سازمانی است که گروه در داخل یا برای آن کار می‌کند. این دو عبارتند از: (الف) سازمان، اهداف و مأموریت‌های آن | ۱۶ |؛ و (ب) سیاست پژوهشی سازمان | ۱۷ |. از آنجا که سفارش دهنده کار معمولاً سازمانی اجرایی است، داشتن درک صحیحی از اهداف و وظایف آن و تفاهم در مورد آن با مدیران سازمان می‌تواند از بروز سوء تفاهمات بعدی میان پژوهشگران و آنان ممانعت کند. اگر مثلاً شهرداری کارفرمای یک پژوهش است، آگاهی از اهداف و وظایف این سازمان برای مدیر پژوهش و پژوهشگران کاملاً ضروری است. هر سازمان علاقه‌مند و نیازمند به پژوهش باید سیاست پژوهشی خاص خود را تنظیم کند.

این سیاست بیانگر فرآیندی است که به اهداف و تصمیمات می‌پردازد (ترنر و هیوم، ۱۳۷۹، ۷۲). در این سیاست باید پاسخ پرسش‌هایی مانند موارد زیر داده شود:

۱- گذشته سازمان در انجام پژوهش چه بوده؛ چه مشکلاتی داشته؛ و تا چه میزان موفق بوده است؟ ۲- چه بدیل‌های پژوهشی کوتاه و میان مدت می‌تواند برای سازمان سودمند باشد؟ چه خطی‌مشی‌هایی مورد نیاز است؟ ۳- چه تغییراتی باید در سازمان صورت گیرد؟

دستیابی به ویژگی‌هایی مانند کارآمدی و توجه به حقوق شهروندی هنگامی میسر است که زیربنای تصمیمات مدیران شهری نه بر اساس حدس و گمان که بر پایه شناخت عینی، منظم، روشمند و معتبر صورت پذیرفته باشد

پس از مشخص شدن موارد مذکور، تهیه برنامه پژوهش ضروری است. این برنامه به مراحل می‌پردازد که برای انجام پژوهش مورد نیاز است. اینها عبارتند از:

گام اول: نیازسنجی پژوهشی. در این گام سازمان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. از مدیران، کارکنان و مشتریان یا مخاطبان آن مهم‌ترین چالش‌ها و مسائل پرسیده می‌شود. پاسخ‌ها مبنای گام‌های پسین خواهند بود.

گام دوم: تعیین اهداف پژوهشی. تعیین نیازهای پژوهشی و پژوهش‌های مورد نیاز در این گام انجام می‌شوند. مهم‌ترین موضوع، تبدیل مسائل پژوهشی به موضوعات پژوهشی است. پژوهش‌های بنیانی یا کاربردی، کمی یا کیفی و طولی یا مقایسه‌ای هر یک می‌توانند به بخشی از نیازهای پژوهشی سازمان پاسخ گویند.

گام سوم: طراحی پژوهش. در این گام چند گزینه صورت می‌پذیرد: گزینش موضوعات پژوهشی و پژوهشگران از درون یا بیرون سازمان برای پیشنهاد طرح پژوهشی؛ گزینش بهترین طرح پژوهشی و توافق بر محتوای آن؛ انتخاب روش‌ها و تکنیک‌های پژوهشی.

گام چهارم: اجرای طرح پژوهشی. پیاده کردن آنچه در هر طرح پژوهشی، کمی یا کیفی، مورد نیاز است. این موارد به تفصیل در متون تخصصی پژوهشی بیان شده‌اند.

گام پنجم: ارزیابی پژوهشی. انجام پژوهش برای سازمانی مسئله‌مدار مانند شهرداری نیازمند ارزیابی پژوهشی است. باید مشخص شود نتایج پژوهش تا چه اندازه در برنامه‌های سازمان و اصلاح عملیات آن مؤثر بوده است.

برای درک دقیق‌تر گام‌های مورد نیاز برای انجام یک طرح پژوهشی می‌توان از نمودار چرخه پروژه [۱۸] (Mikkelsen, 1995) کمک گرفت. بر این اساس، هر طرح از مراحل و اقدامات زیر تشکیل می‌شود:

مرحله آماده‌سازی طرح، شامل:

- شناخت طرح

- پیش-ارزیابی

- بررسی‌های امکان‌سنجی انجام

- ارزیابی

- آماده کردن سند طرح شامل برنامه اجرای طرح

- تخصیص بودجه

- توافق و قرارداد

مرحله اجرای طرح، شامل:

- برنامه سالانه اقدام

- نظارت

- مرور

مرحله تکمیل طرح، شامل:

- مدیریت

- گزارش اتمام طرح

- ارزیابی

پانویس

۱- کسب اطلاعات بیشتر در مورد فعالیت‌های دولتهای محلی در عرصه جهانی در پلتفرم اینترنتی مرکز سنجش‌های انسانی سازمان ملل متحد، به نشانی زیر میسر است: www.unhabitat.org

2- global city

3- Bronger

۴- برابری‌های فارسی دیگر این اصطلاح عبارتند از حکمیت، حکومتداری، حکمرانی، حکمت‌بویاری، حکومت‌بویاری، که به نظر می‌رسد هیچ‌کدام پوشش‌دهنده معنای governance نباشند. در هر حال آنچه در این مفهوم مورد تأکید است، اعمال حکومتی خودمندانانه و مدبرانه و یاری‌گر با شراکت دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در اداره امور است. امیرحسین آریابورد، از پیشگامان برابری‌گری برای واژه‌های علمی علوم اجتماعی، در ترجمه نوشتار سیر فلسفه در ایران اثر محمد اقبال لاهوری در سال ۱۳۴۷ برابر تدبیر را برای governance برگزیده است (برج‌نیلین، ۱۳۷۱، ۲۵۲).

5- good urban governance

6- UNCHS (Habitat)

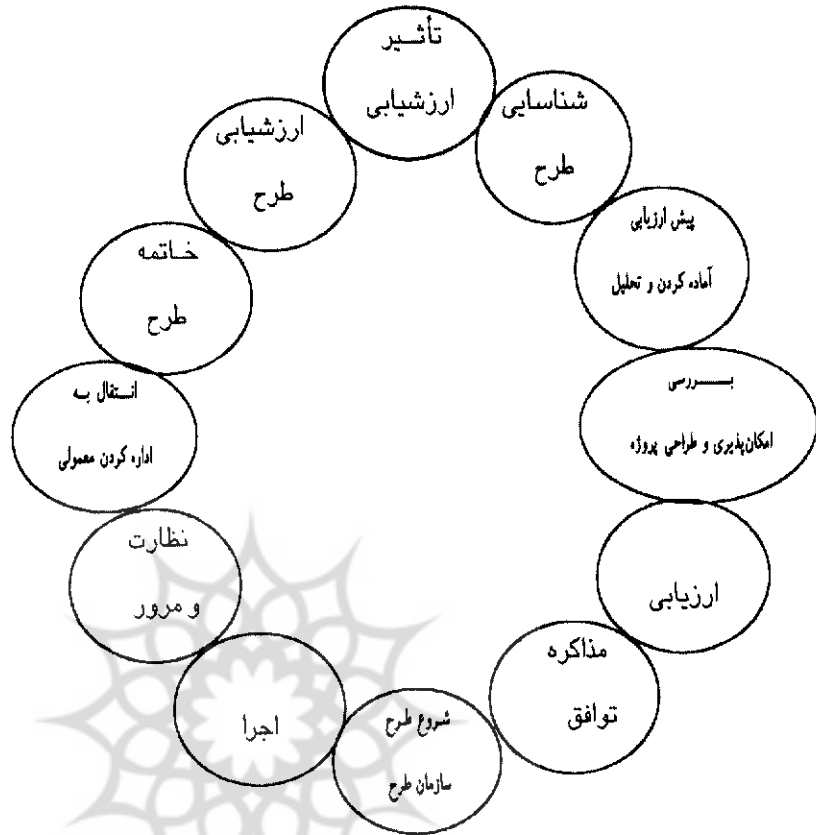
7- subsidiarity

8- equity

9- accountability

10- civic engagement

فصلنامه مدیریت شهری شماره ۱۵۱۶ پاییز و زمستان ۱۳۸۲



(منبع: Mikkelsen, 1995, 49)

- 11- security
- 12- Gerard Degr
- 13- Research & Development
- 14- orgware
- 15- Shepard
- 16- Mission Statement
- 17- Research Policy
- 18- The Project Cycle

منابع

۱. آریان پور، ا. ح. پژوهش، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۲. آندرانویچ، ک. و ک. ریوسا، روش‌های پژوهش شهری، ترجمه سید محمود نجفی حسینی، تهران، انتشارات سازمان شهرسازی کشور، ۱۳۸۰.
۳. ایمانی جاجرمی، حسین، نقش جایگاه آموزش در مدیریت شهری، فصلنامه شهر، سال پنجم، شماره ۲۷، پلین ۱۳۸۲.
۴. ابعفی جاجرمی، حسین، پژوهش پیرامون مراکز تحقیقاتی شهرداری‌ها و استانداری‌ها، تهران، گروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۷۲.
۵. برونگر، دیوید، کلان‌شهرها - جهان‌شهرها، جهانی شدن کشورهای جهان سوم، ترجمه یعقوب زنگنه چگنی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال شانزدهم، شماره ۱۷۰-۱۶۹، مهر و آبان ۱۳۸۰.
۶. برچیان، علی (گردآوری و تدوین) فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، ویراسته بهالین خرمشاهی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱.
۷. ترنر، ملرک، و دیوید هیوم، حکومتاری، مدیریت و توسعه، ترجمه عباس منوچهریان، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۹.
۸. توکل، محمد، جامعه‌شناسی علم، تهران، مؤسسه علمی- فرهنگی، ناص، ۱۳۷۰.
۹. رفیعی‌پور، فرامرز، جامعه‌روشنی و نیازهای آن، تهران، شرکت سهیلی انتشاری، ۱۳۶۲.
۱۰. سلوچ، میکال، و گن‌وارد، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۸۰.
۱۱. سروش، عبدالکریم، علم چیست؟ فلسفه چیست؟ تهران، پیام آزادی، ۱۳۶۱.
۱۲. شریفیان ثانی، مریم، «مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۰.
۱۳. کیوی، ریومن، و وان لوک کاپنهورن، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحمین نیک‌کهر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰.
14. An Urbanizing World: Global Report on Human Settlements, 1996, HABITAT, Oxford University Press, 1996.
15. Gugler Josef, Cities in The Developing World, Issues, Theory, and Policy, Oxford University Press, 1997.
16. Mikkelsen Brita, Methods for Development Work and Research, Sage Publication, 1995.
17. WORLD BANK WEEKLY WEB UPDATE, World Bank, Jan 12, 2004.

جمع بندی

در این نوشتار به اهمیت حکمروایی شهری برای مدیریت مطلوب جریان توسعه شهر اشاره شد. چنین ایده‌ای برای رفع مشکلات توسعه نیافتگی است، که مورد اتکای سازمان‌های بین‌المللی، حکومت‌ها و کارگزاران توسعه است. تحقق بهینه الگوی حکمروایی شهری مستلزم وجود دولت شهری اطلاعات محور است. زیر بنای این پدیده را پژوهش تشکیل می‌دهد. پژوهش بومی است که به ارزش‌ها و نهادیافتگی خاص خود نیاز دارد. این ارزش‌ها متفاوت از انواع موجود در سپهر سنتی هستند. به عبارت دیگر، با اتکا به روش‌های سنتی اداره امور که عمده توجه‌شان معطوف به مسائل درون سازمانی است و از شناخت و برقراری همکاری با دیگر بخش‌ها و سازمان‌ها غافل است، نمی‌توان به تحقق الگوی حکمروایی شهری خوب امیدوار بود. برای گام گذاشتن در این وادی، اصلاح ساختار مدیریت شهری و تغییر گرایش آن به سوی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شراکتی و عالمانه ضرورتی تام دارد. برای اطمینان از شناخت دقیق و عینی مسائل باید از نهادهای علمی - پژوهشی یاری گرفت. توجه به جریان پژوهش و عناصر آن - یعنی نرم‌افزار، سخت‌افزار و سازمان‌افزار - عامل مهمی در این جهت است که دولت شهری اطلاعات محور باید آن را رعایت کند. در نهایت، آنچه اهمیت دارد بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی برای تحقق حکمروایی شهری خوب است. دستیابی به ویژگی‌هایی مانند کارآمدی و توجه به حقوق شهروندی هنگامی میسر است که زیربنای تصمیمات مدیران شهری نه براساس حدس و گمان که بر پایه شناخت عینی، منظم، روشمند و معتبر صورت پذیرفته باشد. چنین شناختی تنها هنگامی حاصل می‌آید که پژوهشی علمی صورت پذیرفته باشد. از این رو مدیران شهری خواهان حکمروایی شهری خوب، باید در آغاز حرکت خود سامانه پژوهشی مناسبی را ایجاد کنند. این سامانه می‌تواند از طریق همکاری با سازمان‌های علمی - پژوهشی مانند دانشگاه‌ها به شکل ایجاد مراکز تحقیقاتی وابسته یا کمک برای تأسیس چنین مراکزی در داخل دانشگاه بنیان گذاشته شود.